



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Transfer of citizenship from mother to child in the legal system of Iran and the Islamic countries of the Persian Gulf

Hossein Alekajbaf¹

1. Associate Prof., Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

E-mail: dr.alekajbaf@pnu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 22 Oct 2024

Received in revised form 8 Dec 2024

Accepted 22 Dec 2024

Available online 29 Dec 2024

Keywords:

Transfer of nationality,
Persian Gulf,
children,
Islamic countries,
mother and the Iranian legal
system.

One of the major challenges of recent decades for the international community, especially Muslim countries, is discrimination in the transfer of nationality from mother to child born of a foreign father. The findings of the study show that in almost all the countries studied, the transfer of nationality is based on the principle of blood and the transmission of nationality to children is possible only through the father, and mothers who marry foreign men are unable to transfer the nationality of their country to their children. The lack of equality of parents and gender discrimination in the transfer of nationality to children is contrary to international human rights documents, and the transfer of nationality from mother to child does not conflict with Islamic rulings. Given that the failure to transfer nationality from mother to child causes problems such as the lack of birth certificates and identity documents and the lack of rights that are specific to citizens of a country and sometimes they will face statelessness, it is necessary for the governments studied to take an important step in amending their laws and ensuring equality between women and men in the transfer of nationality, like other developed countries. Therefore, this article seeks to examine the transfer of nationality from mother to child in the legal system of Iran and the Islamic countries of the Persian Gulf and then presents suggestions for reforming the laws of nationality in the countries. In this article, a descriptive-analytical research method with a legal-social approach is used, and in addition, the information collection is based on library and internet sources.

Cite this article: Alekajbaf, Hossein. (2024). Transfer of citizenship from mother to child in the legal system of Iran and the Islamic countries of the Persian Gulf. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (4), 1- 17. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2046960.1061>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2046960.1061>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

انتقال تابعیت از مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران و کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس

حسین آل کجیاب^۱

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران. ایران. رایانامه: dr.alekajbaf@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

کلیدواژه‌ها:

انتقال تابعیت،

حوزه خلیج فارس،

فرزندان،

کشورهای اسلامی،

مادر و نظام حقوقی ایران.

یکی از چالش‌های مهم دهه‌های اخیر جامعه بین‌المللی به‌خصوص کشورهای مسلمان، تبعیض در انتقال تابعیت از مادر به فرزند متولد از پدر خارجی است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که تقریباً در تمام کشورهای مورد مطالعه، انتقال تابعیت مبتنی بر اصل خون بوده و سرایت تابعیت به فرزندان فقط از طریق پدر امکان‌پذیر می‌باشد و مادری که با مردان خارجی ازدواج می‌نماید قادر به انتقال تابعیت کشور خود به فرزند نیستند. عدم تساوی والدین و تبعیض جنسیتی در انتقال تابعیت به فرزندان، معایر با اسناد بین‌المللی حقوق بشری بوده و همچنین انتقال تابعیت از مادر به فرزند هیچ‌گونه تعارضی با احکام شرعی ندارد. با توجه به اینکه عدم انتقال تابعیت از مادر به فرزند باعث بروز مشکلاتی از قبیل نداشتن شناسنامه و اسناد هویتی و عدم برخورداری از حقوقی که مخصوص اتباع یک کشور بوده و بعضاً مواجه شدن با بی‌تابعیتی آن‌ها خواهد شد، ضروری است تا دولت‌های مورد مطالعه، در اصلاح قوانین خود و تساوی بین زنان و مردان در انتقال تابعیت مانند سایر کشورهای پیشرفته گام مهمی بردارند. لذا این مقاله درصدد بررسی انتقال تابعیت از مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران و کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس بوده و سپس پیشنهادهایی جهت اصلاح قوانین تابعیت در کشورها ارائه می‌نماید. در این مقاله از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد حقوقی-اجتماعی استفاده گردیده و علاوه بر آن گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

استناد: آل کجیاب، حسین (۱۴۰۳). انتقال تابعیت از مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران و کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس. *مطالعات تطبیقی حقوق*

کشورهای اسلامی، ۲ (۴)، ۱-۱۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2046960.1061>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

گرچه قواعد کنونی تابعیت در یکی دو قرن اخیر ایجاد شده‌اند، ولی رابطه بین افراد و دولت یک مسئله قدیمی است که از دوران گذشته هم وجود داشته است و این روابط ممکن است مبتنی بر بومی بودن فرد بوده باشد. مثلاً در دولت‌شهرهای کوچک یونان باستان، عامل پیوند با دولت، بومی بودن فرد بوده است چراکه اهالی هر جمهوری، در جمهوری‌های دیگر بیگانه تلقی می‌شدند، هرچند همه آنان در اصل «یونانی بودن» مشترک بودند (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۱).

در برخی از کشورهای کوچک، که غالباً جمعیت آن کشور را یک قوم خاص تشکیل می‌داده‌اند روابط بین دولت و افراد بر اساس قومیت تعیین می‌شده است ولی در کشورهای بزرگ و امپراتوری‌های ایران و روم که جمعیت آن‌ها از افراد، قبائل و نژاد مختلفی تشکیل می‌شده‌اند مبنای تابعیت، بستگی به عواملی از قبیل «اقامتگاه»، فرمان‌برداری از پادشاه و یا پیروی از دین رسمی کشور ملاک عمل بوده است (مسلم، ۱۹۹۵: ۸۱).

با ظهور فئودالیسم در اروپا و وابستگی فرد (رعیت) به زمین و اربابان خود، عملاً تعلق فرد به دولت مبتنی بر قومیت، اقامتگاه و اطاعت از پادشاه از بین رفت و نظام ارباب - رعیتی، جایگزین روابط بین افراد با دولت گردید. پس از فروپاشی نظام فئودالیسم و قدرت گرفتن دولت‌های مرکزی و اداره کردن حکومت‌ها بر مبنای نظام استبدادی فردی و پادشاهی، ملاک تعیین تابعیت افراد، اطاعت و فرمان‌برداری آن‌ها از پادشاه بود. ولی با پیدایش عصر رنسانس و ظهور اندیشه‌های لیبرالیستی و دموکراسی و... ملت جایگزین واژه رعیت گردید. همچنین با پیدایش تفکرات و مکاتب ناسیونالیستی، دولت‌های جدیدی با آرمان‌های ملی‌گرایانه و غیرمذهبی ایجاد گردیدند که ملاک تعیین‌کننده تابعیت فرد، بر اساس اشتراک در «قومیت و ملیت» خاص و انقیاد در برابر حاکمیت ناشی از آن ملت قرار گرفت. (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۴) و از آن زمان به بعد، معیار تعیین تابعیت افراد، «عضویت فرد در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت» می‌باشد.

شناسایی حق تابعیت برای افراد به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و سلب ناشدنی بشر محسوب می‌شود که در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن اشاره گردیده است. در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «که همه افراد از حق داشتن تابعیت بهره‌مند هستند و هیچ‌کس به‌صورت خودسرانه از تابعیتش محروم نخواهد شد». بی‌تابعیتی یا نداشتن تابعیت مؤثر و قانونی مشکلی بزرگ در عرصه بین‌المللی است. مقررات تدوین شده به‌منظور کاهش بی‌تابعیتی در چندین معاهده بین‌المللی حقوق بشری، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های حقوق کودک، تابعیت زنان ازدواج کرده، کاهش بی‌تابعیتی، وضعیت اشخاص بی‌تابعیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانیده شده‌اند.

گرچه در گذشته، قانون‌گذاران بیشتر کشورها اعتقاد بر این داشتند که نسب فقط از پدر به فرزندان منتقل می‌شود، لذا تابعیت نیز فقط از طریق پدر به فرزندان انتقال می‌یابد و زنان قادر به انتقال تابعیت خود به فرزندان نیستند اما با گذشت زمان و با تصویب کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رفته‌رفته کشورها با رویکرد برابری جنسیتی، قانون خود را در خصوص انتقال تابعیت از مادر به فرزند تغییر داده و اکنون در بیشتر کشورهای جهان تابعیت از مادر به فرزند خود نیز امکان‌پذیر می‌باشد.

نابرابری جنسیتی و عدم انتقال تابعیت از مادر به فرزند در موارد زیر می‌تواند باعث بی‌تابعیتی فرزند شود: (۱) در مواردی که پدر بدون تابعیت باشد. (۲) در مواردی که قوانین کشور پدر به او اجازه نمی‌دهد در شرایط خاصی مانند

زمانی که کودک در خارج از کشور متولد می‌شود تابعیت خود را به فرزند انتقال دهد. ۳) در مواردی که پدر در زمان تولد طفل نامعلوم بوده و یا با مادر وی ازدواج نکرده باشد. ۴) زمانی که پدری قادر به طی کردن مراحل اداری برای به دست آوردن مدارک تابعیت برای فرزندان خود نباشد، مثلاً، زمانی که قبل از اقدام برای تحصیل تابعیت وی فوت نموده باشد. ۵) در مواردی که پدری هیچ‌گونه تمایلی به انجام مراحل اداری برای تحصیل تابعیت برای فرزندان خود نداشته باشد، مثلاً زمانی که خانواده خود را رها کرده باشد.

لذا در موارد فوق، تضمین برابری جنسیتی در انتقال تابعیت به فرزندان می‌تواند خطرات بی‌تابعیتی را کاهش دهد (آل کجیاف، ۱۴۰۱: ۸۴).

این مقاله به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که وضعیت انتقال تابعیت از مادر به فرزند در کشورهای مورد مطالعه چگونه است؟

۱. طرق انتقال تابعیت به فرزندان در نظام بین‌الملل

قبل از اینکه به انتقال تابعیت به فرزندان در نظام بین‌الملل بپردازیم ضروری است تا ابتدا مفهوم تابعیت را مورد بررسی قرار دهیم. در مورد تابعیت، تعریف واحدی وجود ندارد و بین علمای علم حقوق در این خصوص اتفاق نظر نیست، لذا برای دستیابی به یک تعریف کامل و جامع، ضروری است تا تعاریفی را که صاحب‌نظران اعم از داخلی و خارجی ارائه نموده‌اند مورد بحث و بررسی قرار داد.

پد فیلد معتقد است که: «منظور از تابعیت یک شخص، وضعیت او به‌عنوان عضو یک دولت معین که به آن وفادار است، مدنظر قرار می‌گیرد و هر شخص به‌غیر از افراد بی‌تابعیت دارای تعلقات و وابستگی‌های سیاسی به دولت معینی هستند که ممکن است از طرف آن برای جنگ احضار شوند یا مالیات به آن پرداخته و در مقابل انتظار حمایت از ناحیه آن را داشته باشند». (Padfield, 1998:88)

به نظر «چندرا» تابعیت، خصوصیت عضویت در یک ملت یا دولت خاص است که وضعیت سیاسی و وفاداری شخص را تعیین می‌کند. چندرا، در کتاب حقوق بین‌الملل خود به نظرات «اوپنهایم» و «فن ویک» اشاره می‌نماید. بر طبق نظر اوپنهایم «تابعیت حالتی است که یک فرد را تابع و شهروند یک دولت خاص می‌نماید.» بنا بر نظر فن ویک تابعیت، عبارت است از «پیوند یک شخص با یک دولت خاص برای برخورداری از حمایت آن دولت و الزام به تکالیفی که قانون آن دولت تعیین می‌کند.» (Chandra, 1996:74).

در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده است: «تابعیت، رابطه حقوقی میان فرد و یک دولت است. تابعیت، تأمین‌کننده حمایت دولت از فرد بوده و حقوق و تکالیف خاصی را برای او به همراه دارد.» (بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۱۶۰).

بعضی از نویسندگان معتقدند که: «ملاک تحقق ملت را هر چه قرار دهید، همان ملاک تحقق تابعیت نیز واقع می‌شود پس تابعیت رابطه‌ای است که با آن خانواده ملت تشکیل می‌یابد.» (خلیلیان، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

دکتر نصیری، در مورد تعریف تابعیت معتقد است که: «تابعیت رابطه سیاسی و معنوی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد.» (نصیری، ۱۴۰۳: ۲۶).

نگارنده با الهام از تعاریف فوق‌الذکر، تعریف ذیل را در مورد تابعیت ارائه می‌نماید:

«تابعیت، عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی، اجتماعی و معنوی که بین یک شخص حقیقی و یا حقوقی و یک دولت وجود داشته و یا ایجاد گردیده، که هم دولت و هم اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) را دارای حقوق و تکالیف در قبال یکدیگر می‌سازد».

در نظام بین‌الملل و قوانین داخلی کشورها، از دیرباز برای اعطای تابعیت دو اصل خاک و خون مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (Brownlie, 1998:391 & Crawford, 2019: 495) هرچند گروهی از حقوقدانان معتقدند که، در قوانین کشورهای مختلف سه روش برای تعیین تابعیت اطفال پیش‌بینی شده است. نخست، خاک، دوم، خون و سوم، تلفیقی از آن دو. فارغ از استحکام استدلال طرفداران هر یک از روش‌ها، گاهی ممکن است تفاوت روش تعیین تابعیت کودک در دو کشور موجب بی‌تابعیتی کودک شود. به‌عنوان مثال، چنانچه کشوری تابعیت کودک را بر اساس نسبت پدری تعیین نماید و کشور دیگر این تابعیت را بر اساس خاک تعیین کند در این صورت احتمال تحقق بی‌تابعیتی وجود دارد (طاهری نیا و ستایش پور، ۱۴۰۲: ۶). لازم به توضیح است که اصل خون برای اعطا و انتقال تابعیت، ابتدا در کشورهای اروپائی به‌خصوص فرانسه مورد استفاده قرار گرفت و تابعیت فقط از طریق پدر به فرزندان انتقال می‌یافت. سپس در قرن نوزدهم کشورهای دیگر اروپائی از جمله؛ اتریش، بلژیک، اسپانیا، ایتالیا، روسیه، هلند، نروژ و سوئد به تقلید از فرانسه برای اعطای تابعیت، اصل خون را ملاک عمل خود قرار دادند. علاوه بر آن، سرزمین‌هایی که تحت استعمار کشورهای اروپائی بودند به تبعیت از استعمارگران، اصل خون را در نظام حقوقی خود وارد نمودند (Baubock & others, 2006:187).

همان‌طوری که در بالا ذکر شد در گذشته، قانون‌گذاران تمامی کشورهای غربی بر این اعتقاد بودند که تابعیت تنها از سوی پدر منتقل می‌شود و زنان هیچ‌گونه حقی در انتقال و انتساب تابعیت به فرزندان ندارند. مقررات مذکور از اوایل قرن بیستم از سوی مدافعان حقوق زنان به چالش کشیده شد و آنان منتقد جدی اعمال تبعیض‌آمیز اصل خون بودند و تلاش‌های آنان موجب الغا و امحای تبعیض انتقال تابعیت در قوانین بسیاری از کشورها شده است. و پس از پایان جنگ جهانی دوم، مادران نیز همانند پدران توانستند تابعیت دولت متبوع خود را به فرزندان منتقل کنند (عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۰۰-۱۰۱).

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، که یکی از کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی است در سال ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و ۱۸۹ کشور به عضویت آن درآمدند در ماده ۹ این کنوانسیون، کشورهای عضو را موظف می‌کند که به زنان اجازه دهند مانند مردان تابعیت خود را به فرزندان خود منتقل کنند.

۲. تابعیت در نظام حقوقی ایران

قانون ایران در مورد انتقال تابعیت، از اعمال مطلق اصل خون پیروی می‌کند یعنی تابعیت فقط از طریق پدر به فرزندان منتقل می‌گردد (عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۰۸). و فرزند متولد از زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج نموده است نمی‌تواند تابعیت ایران را تحصیل نماید.

قانون‌گذار، درباره تابعیت بعد از ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی، روش وحدت را پذیرفته است، یعنی به‌واسطه ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی، تابعیت ایران به زن خارجی تحمیل می‌گردد، اما در مورد ازدواج زنان ایرانی با مردان

خارجی، طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی پس از ازدواج با تبعه خارجی به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که تابعیت مرد به زن تحمیل شود و تابعیت زن ایرانی به مرد خارجی انتقال نخواهد یافت.

۱-۲. وضعیت حقوقی انتقال تابعیت از مادر ایرانی به فرزند

وضعیت حقوقی فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی موضوعی است که در چند دهه گذشته به عنوان یک چالش بزرگ محسوب می‌گردد. در قانون ایران انتقال تابعیت از پدر به فرزندان صورت می‌پذیرد و تابعیت مادر به فرزند انتقال نمی‌یابد لذا فرزند متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی با مشکلاتی از قبیل نداشتن شناسنامه، ادامه تحصیل و همچنین عدم برخورداری از هرگونه حقوق شهروندی مواجه هستند.

به علت کاستی‌های قانون مدنی و با توجه به تعداد متولدین ناشی از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، نتیجه آن شد که مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را تصویب نمود اما چون این قانون فقط برای بازه زمانی یک‌ساله یعنی تا سال ۱۳۸۶ بود نتوانست مشکل فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی را حل نماید تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۹۸ قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به تصویب رسید و بر اساس این قانون مادر ایرانی تحت شرایطی می‌توانست برای فرزند خود تقاضای تابعیت ایران را بنماید.

۲-۲. شرایط تحصیل تابعیت ایران توسط فرزند متولد از مادر ایرانی

در قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۹۸ مقرر شده بود که فرزند متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی تحت شرایط زیر می‌تواند تابعیت ایران را تحصیل نماید:

۱- قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، با درخواست مادر ایرانی و در صورت احراز عدم مشکل امنیتی توسط وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به وی تابعیت ایران داده خواهد شد.

۲- پس از ۱۸ سالگی نیز بر اساس تقاضای خود شخص و تأیید عدم مشکل امنیتی از طرف مراجع ذیصلاح به شخص متقاضی تابعیت ایران اعطا می‌گردد.

لازم به ذکر است که جهت اجرای این قانون هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۹/۲/۳۱ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را با ماده ۲۴ به تصویب رساند که شرایط اجرائی ماده واحده را تعیین کرد.

در ماده یک آئین‌نامه متقاضیان اعطای تابعیت مشخص شده است که متقاضیان می‌توانند:

۱- هر زن ایرانی که با مرد غیر ایرانی ازدواج کرده و در نتیجه این ازدواج، دارای فرزند زیر ۱۸ سال باشد.

۲- هر فردی که از مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی متولد شده و بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

علیرغم دستاوردهای مهمی که از این ماده واحده برای مشمولین این قضیه به ارمغان آورده ولی آئین‌نامه ماده واحده خالی از اشکال نیست. یکی از ایرادات وارده به آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی این است که در ماده ۳ مقرر گردیده: «ملاک ازدواج شرعی مادر ایرانی با پدر خارجی فرزند مشمول

این قانون، عقدنامه رسمی یا هر سند معتبر قانونی مبنی وقوع نکاح یا صدور رأی قضائی (داخلی یا خارجی) مبنی بر وجود رابطه زوجیت او است».

نگارنده معتقد است، انتقادی که بر این ماده وارد است این است که معمولاً اشخاصی که درگیر این مشکل هستند از مناطق مرزی و در حاشیه‌نشین‌ها بوده و اطلاعات دقیقی از قوانین نداشته باشند و حتی ممکن است ازدواج آن‌ها با مردان خارجی به صورت عقد موقت و یا به صورت عادی و شرعی صورت گرفته باشد و اصلاً ازدواج آن‌ها به صورت عقدنامه رسمی نباشد که در این حالت مشمول این آئین‌نامه نخواهند شد. علاوه بر آن، بر اساس قانون مدنی هرگاه زن ایرانی بخواهد با مرد خارجی ازدواج نماید به استناد ماده ۱۰۶۰ ق.م.مکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

نتیجه عدم اخذ مجوز زناشویی از دولت، باعث غیرقانونی بودن ازدواج می‌شود و از آنجائی که وقوع عقد ازدواج به صورت قانونی، انتقال تابعیت زوج به زوجه با رعایت ماده ۹۸۷ قانون مدنی می‌باشد در ازدواج غیرقانونی این امر صورت نمی‌پذیرد. ممکن است این پرسش مطرح گردد که آیا ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بدون مجوز زناشویی باطل است یا خیر؟ در مورد اعتبار ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بدون مجوز زناشویی، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد برخی از حقوق‌دانان، قائل به صحت ازدواج و نافذ بودن آن می‌باشند و معتقدند که دولت نمی‌تواند ازدواج آن‌ها را ابطال کند، زیرا قانون‌گذار عدم اخذ مجوز زناشویی را از موانع نکاح بشمار نیاورده است (صفائی و امامی، ۱۴۰۲: ۹۸-۹۷). اما برخی دیگر از حقوق‌دانان، مخالف صحت این‌گونه ازدواج هستند و معتقدند چون ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بدون اخذ مجوز قانونی مخالف با ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی است، لذا باطل است (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۱۲۴). اما به نظر می‌رسد که دیدگاه دسته نخست حقوق‌دانان، مقرون به صحت باشد زیرا اگر ازدواج به صورت شرعی صورت گرفته باشد ولو اینکه اقدام به اخذ مجوز زناشویی نکرده باشند غیرقانونی است اما باعث بطلان ازدواج نمی‌گردد و هر زمانی که بعداً هم اجازه زناشویی اخذ شود ازدواج آن‌ها قانونی خواهد شد.

علاوه بر ایراد فوق، ایراد دیگری که به تبصره ۱ ماده ۳ آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی وارد است این است که در قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نامی از ازدواج رسمی یا ثبتی نبرده است و قانون‌گذار فقط به ازدواج شرعی اشاره نموده است در صورتی که در تبصره ۱ ماده ۳ ملاک اعطای تابعیت را موکول به ارائه عقدنامه رسمی و یا صدور حکم از طرف مرجع قضائی بیان نموده است، لذا با توجه به اینکه آئین‌نامه اجرائی نباید با قانون در تضاد باشد به نظر می‌رسد ازدواج شرعی ملاک عمل خواهد بود و نه ازدواج رسمی.

در تبصره ۱ آمده است: «احراز وقوع ازدواج‌هایی که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار این آئین‌نامه در روزنامه رسمی صورت گرفته، موکول به ارائه عقدنامه رسمی یا حکم مرجع قضائی مبنی بر احراز وقوع نکاح شرعی است. در مورد ازدواج‌هایی که پس از انتشار این آئین‌نامه واقع شوند، تنها ازدواج ثبت شده ملاک تأیید تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج‌ها خواهد بود.»

به دنبال طرح دادخواستی که به دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال تبصره ۱ ماده ۳ آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، ارائه گردید، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به این

شکایت رسیدگی و در رأی شماره ۱۰۶۱ مورخ ۱۴۰۱/۶/۸ رأی به ابطال تبصره ۱ ماده ۳ آئین‌نامه را صادر نمود. در رأی صادره از طرف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دلایل زیر بیان شده است:

اولاً: حکم قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی متضمن پذیرش تابعیت فرزندان اشخاص مذکور با رعایت دیگر شرایط، چه قبل و چه بعد از تصویب این قانون است.

ثانیاً: تبصره ۱ ماده ۳ آئین‌نامه در احراز وقوع نکاح، بدون دلیل قانونی بین ازدواج‌های صورت گرفته از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار آئین‌نامه و پس از انتشار آئین‌نامه قائل به تفکیک شده و در مورد اخیر صرفاً ازدواج ثبت شده را ملاک تأیید تابعیت فرزندان قرار داده که این امر خارج از حدود مقرر در قانون است.

ثالثاً: آنچه مدنظر قانون‌گذار بوده صرفاً ناظر به اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج شرعی با شرایط مقرر است و اساساً به معنای نفی دیگر شرایط قانونی در اثبات نکاح و لزوم ثبت آن با رعایت قوانین حاکم از جمله قانون حمایت از خانواده نیست.

لذا بنابر دلایل فوق‌الذکر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تبصره ۱ ماده ۳ آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۹/۲/۳۱ را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه دانسته و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق. تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۳ ابطال نمود (<https://dotic.ir/news/13014>).

۲-۳. لغو قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با تأسیس سازمان ملی مهاجرت

قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت ایران در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۱۴۰۱ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. موضوع مهمی که در قانون سازمان ملی مهاجرت وجود دارد ماده ۴۱ این قانون است که صراحتاً قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۹۸ را لغو نموده است. این ماده بیان می‌دارد: «قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت‌نام کرده‌اند لغو می‌گردد». در طرح تشکیل سازمان ملی مهاجرت، با توجه به شرایط سخت اعطای تابعیت به افرادی که سال‌هاست در ایران اقامت داشته و از داشتن مدارک شناسایی اولیه محروم می‌باشند تأکید بر اقامت به‌جای تابعیت شده است. در ماده ۱۹ اقامت اتباع خارجه در ایران به دو صورت اقامت موقت (کوتاه‌مدت) و اقامت مدت‌دار امکان‌پذیر است. اقامت‌های کوتاه‌مدت ۳ ماهه تا ۱ ساله به متقاضیان کار و تحصیل و... اعطا می‌شود. اما اقامت‌های مدت‌دار سه ساله و هفت ساله و ده ساله فقط برای ۵ گروه ایثارگران، نخبگان حوزوی و علمی، صاحبان آثار ویژه در زمینه‌های فرهنگ و هنر و ورزش، سرمایه‌گذاران و همسران زنان ایرانی و فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی اعطا می‌گردد. اقامت ویژه دائم نیز تنها شامل کسانی است که خدمات شایان به کشور ایران داشته باشند.

شایان‌ذکر است، کسانی که دارای اقامت مدت‌دار می‌باشند به این معنا نیست که آن‌ها تابعیت ایران را کسب نموده‌اند. بلکه آن‌ها تنها حق حضور در ایران و استفاده از خدمات شهروندی را خواهند داشت. یکی از گروه‌های تعریف‌شده در این قانون همسران زنان ایرانی و فرزندان متولد از مادر ایرانی هستند. با بررسی مواد ۲۱ و ۴۱ این

قانون، متوجه می‌شویم که بعد از تصویب این قانون، فرزند متولد از مادر ایرانی هرگز قادر نخواهد بود که تابعیت ایران را تحصیل نماید. آن‌ها همانند سایر اتباع خارجی در ایران تنها می‌توانند اقامت‌های مدت‌دار و حداکثر ۱۰ ساله کسب کنند. فرزند متولد از مادر ایرانی و همسر خارجی وی در صورتی می‌توانند اقامت خود را تمدید نمایند که فاقد هرگونه سابقه کیفری بوده و تحت تعقیب قضائی نباشند و در صورت داشتن هرگونه سابقه کیفری اقامت آن‌ها تمدید نخواهد شد و از ایران اخراج می‌گردند.

۳. انتقال تابعیت از مادر به فرزند در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

حدود شصت سال پیش، قوانین تابعیت اکثر کشورها، حقوق برابری را برای زنان در مسائل مربوط به تابعیت فراهم نمی‌کرد. این امر از زمان تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ به‌طور اساسی تغییر کرده است. بررسی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در مورد قوانین تابعیت نشان می‌دهد که برابری بین زن و مرد در انتقال تابعیت به کودکان هنوز تقریباً در ۲۴ کشور در تمام نقاط جهان محقق نشده است، که تعداد قابل توجهی از این آمار، در مجموع ۱۲ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا یافت می‌شود. بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت و عمان) در این دسته قرار می‌گیرند. بیشتر این کشورها، با توجه به سطح محدودیتی که قوانین تابعیت آن‌ها بر حق زنان برای اعطای تابعیت اعمال می‌کند به دو گروه طبقه‌بندی می‌کند. قوانین تابعیت قطر و کویت به‌عنوان قوانینی که بیشترین خطر بی‌تابعیتی را در منطقه شورای همکاری خلیج فارس ایجاد می‌کنند برجسته است، زیرا به مادران اجازه نمی‌دهند بدون استثنا یا بسیار محدود به فرزندان خود تابعیت بدهند. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و عمان به‌نوبه خود به زنان اجازه می‌دهند در شرایطی که در کشورهای مختلف متفاوت است، تابعیت خود را اعطا کنند. (Besty, 2016: 289)

در بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس، خویشاوندی عرب به‌عنوان مبنای انتقال تابعیت، محسوب می‌گردد. مبنای اعطای تابعیت در بسیاری از قوانین این کشورها مبتنی بر اصل خون (jus sanguinis) می‌باشد به این معنا، اگر یکی از والدین طفل تبعه یک دولت باشد، طفل نیز دارای تابعیت آن دولت خاص می‌شود. (Anwar, 2024:2416) در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، یک مدل ژنتیکی خاص برای قوانین تابعیت اعمال می‌شود: مدل عرفی خویشاوندی عربی که متکی بر نژاد پدری است. بر این اساس، تنها یک تبعه مرد یکی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند تابعیت خود را به فرزندان خود منتقل کند. شایان‌ذکر است، علیرغم اینکه، منشأ این قاعده از نظام حقوقی فرانسه، قبل از اصلاح آن سرچشمه می‌گیرد و به دلیل همسویی آن با «محیط قانونی محلی» در منطقه غالب بوده است. این قاعده حق انتقال تابعیت را مشروط به جنسیت می‌داند به‌طور مشخص‌تر، با برتری دادن مردان به زنان، تبعیض قائل می‌شود. این تبعیض در شرایطی آشکارتر خواهد شد که کودکان متولد شده از اتباع یکی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌طور خودکار از تابعیت پدر خود برخوردار می‌شوند، اما فرزندان متولد شده از یک تبعه زن، که شوهر وی خارجی است و از تابعیت شورای همکاری خلیج فارس برخوردار نبوده، از تحصیل تابعیت مادر خود محروم می‌شوند (Parolin, 2008:2).

عدم تغییر و حفظ وضع موجود قانون تابعیت در کشورهای حاشیه خلیج فارس که بیشتر آن‌ها نیز به عضویت کنوانسیون‌های بین‌المللی علی‌الخصوص کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان درآمده‌اند بیانگر بی‌توجهی آن‌ها به رعایت و نقض تعهدات کنوانسیون‌های بین‌المللی است (George, 2019:57).

۳-۱. انتقال تابعیت در قوانین عربستان سعودی

در قانون تابعیت عربستان سعودی مانند برخی دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس اصل بر این است که انتقال تابعیت از پدر به فرزندان صورت می‌گیرد مگر در موارد خاصی که برای جلوگیری از بی‌تابعیت شدن فرزندان، ممکن است از طریق مادر سعودی به فرزندان وی انتقال یابد. طبق قانون تابعیت عربستان، فرزندان متولد از مردان سعودی بدون توجه به محل تولد آن‌ها، تابعیت سعودی را در بدو تولد کسب می‌کنند، اما زنان سعودی نمی‌توانند تابعیت خود را به‌طور خودکار به فرزندان خود منتقل نمایند، همچنین زنان سعودی از حق انتقال تابعیت خود به همسران غیر سعودی محروم هستند، حتی که طبق ماده ۱۴ قانون تابعیت، فقط برای مردان سعودی پیش‌بینی شده است. در ماده ۷ این قانون آمده است: «افرادی که در داخل یا خارج از پادشاهی از پدر سعودی، یا مادر سعودی و پدر نامعلوم متولد شوند، یا در داخل پادشاهی از پدر و مادر نامعلوم متولد شوند سعودی محسوب می‌گردند».

ماده ۸ نیز بیان می‌دارد: افراد تولد یافته در قلمرو پادشاهی از پدر و مادر غیر سعودی در صورت داشتن شرایط زیر با تصمیم وزیر کشور می‌توانند تابعیت عربستان سعودی را تحصیل نمایند: الف) داشتن مجوز اقامت دائم (اقامه) در زمان رسیدن به سن قانونی؛ ب) داشتن حسن رفتار و عدم محکومیت به مجازات کیفری یا حبس بیش از شش ماه؛ ج) تسلط به زبان عربی؛ د) تقاضا کردن تابعیت ظرف یک سال پس از رسیدن به سن قانونی.

اگرچه ماده فوق، این امکان را برای فرزندان متولد از زنان عربستانی فراهم می‌کند تا پس از رسیدن به سن بلوغ، بنا به صلاحدید دولت، دارای تابعیت عربستان سعودی گردند. اگرچه این موضوع یک گام به جلو است، اما از استانداردهای برابری جنسیتی و حقوق کودک بسیار عقب است. این ماده برای مادران حق انتقال تابعیت خود به فرزندان را مشابه پدران قائل نمی‌شود و کودکان را از دسترسی به بسیاری از حقوق در دوران کودکی محروم می‌کند. علی‌رغم اینکه ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها را موظف می‌کند از حق هر کودک برای داشتن تابعیت اطمینان حاصل کنند، به‌ویژه زمانی که کودکان بدون تابعیت باشند. قانون تابعیت عربستان سعودی هیچ تضمینی در برابر بی‌تابعیتی کودکان در بدو تولد ندارد و چنین حفاظتی در عمل به این معنی است که هر کودکی که در عربستان سعودی متولد شود و نتواند تابعیت کشور دیگری را کسب کند، بدون تأخیر بی‌مورد تابعیت عربستان را کسب خواهد نمود (www.refworld.org).

حقوق کودکان متولد از مادر سعودی و پدر خارجی یک موضوع اجتماعی حساس و مهم است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر یک خانواده به‌عنوان یک نهاد و همچنین شرایط هر یک از اعضای آن تأثیرگذار باشد. در چند سال اخیر، کمپین‌های متعددی برای اعطای تابعیت عربستان سعودی به فرزند متولد از مادر سعودی و پدر خارجی صورت گرفته است. گرچه چنین کودکانی در حال حاضر از بسیاری از حقوق و امتیازات دولتی از قبیل مراقبت‌های بهداشتی، تحصیلی و اشتغال به‌واسطه مادر سعودی خود برخوردار هستند اما در صورتی می‌توانند از این مزایا بهره‌مند شوند که ازدواج زن سعودی و مرد خارجی مستند و مورد تأیید مقامات دولتی قرار گرفته باشد علاوه بر آن این فرزندان نباید مشکل امنیتی داشته باشند.

۳-۲. انتقال تابعیت در قوانین امارات متحده عربی

قبل از استقلال، قانون رسمی در امارات متحده عربی تدوین نشده بود، بلکه مجموعه‌ای از احکام فردی که به‌عنوان مقررات ملکه منتشر می‌شد، اغلب از احکام شیوخ حاکم نشئت می‌گرفت، و تنها زمانی که توسط نماینده بریتانیا منتشر می‌شد، قابلیت اجرا پیدا می‌کرد

(Frauke, 2004: 18). قوانین غالباً ماهیت نسبتاً موردی داشتند. اولین قانون مدنی که تمامی امیر نشینان امارات متحده عربی را پوشش می‌دهد که در سال ۱۹۷۱ به اجرا درآمد. اولین قانون مربوط به تابعیت (قانون فدرال ۱۹۷۲/۱۷، که اساساً توسط قانون فدرال ۱۹۷۵/۱۰ اصلاح شده است) به دوره استقلال مربوط می‌شود. این قوانین از آن دوره بلافاصله پس از استقلال، با اصلاحات جزئی از طریق احکام بعدی، به‌ویژه در سال ۲۰۱۱ که به فرزندان مادران اماراتی و پدران خارجی اجازه دسترسی به تابعیت پس از رسیدن به سن بلوغ را می‌دهد، تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است. (Issa, 2011)

قانون تابعیت در امارات متحده عربی نیز مانند کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس از طریق پدر به فرزندان منتقل می‌شود چنانچه مادر اماراتی با مرد خارجی ازدواج نماید تابعیت وی به فرزندان انتقال نخواهد یافت. طبق فصل ۱ قانون تابعیت سال ۱۹۷۲، تابعیت امارات متحده عربی را می‌توان از طریق نسب و یا ازدواج به دست آورد. (Gray, 2015: 7-19) افراد زیر تبعه امارات متحده عربی می‌باشند:

۱- هر فرد عربی که در سال ۱۹۲۵ یا قبل از آن در یکی از امیر نشینان ساکن بوده و تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در آن امیر نشین اقامت داشته است.

۲- هر کسی که در داخل یا خارج از کشور از پدری متولد شود که طبق قانون شهروند امارات محسوب شود..

۳- یک زن اماراتی نیز می‌تواند تابعیت خود را به فرزندش منتقل کند، در صورتی که انتساب فرزند به پدر از نظر قانونی قابل اثبات نباشد. اگرچه با تکنولوژی مدرن و الزامات ثبت ازدواج قبل از هر رابطه شخصی، چنین موردی بسیار بعید است.

۴- هر کس در داخل یا خارج از کشور از مادر اماراتی متولد شود و پدر وی نامعلوم و یا بدون تابعیت باشد.

۵- هر کس که در کشور امارات از پدر و مادری نامعلوم متولد شده باشد. (Salama, 2015)

همان‌طور که بیان شد، پدران اماراتی می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی تابعیت خود را به فرزندان خود به کسانی که در امارات یا خارج از امارات متولد می‌شوند منتقل نمایند. در مقابل، فرزندان متولد از زنان اماراتی تنها در صورتی می‌توانند تابعیت امارات را دریافت نمایند که پدر کودک نامعلوم و یا بدون تابعیت باشد.

سیر تحول قانون تابعیت کشور امارات به آنجا رسیده است که بر اساس این قانون فرزندان متولد از زن اماراتی قبل از رسیدن به سن هجده سالگی باید در کشور امارات اقامت داشته باشند و باید منتظر بمانند تا به ۱۸ سن سال رسیده و پس از آن بتوانند برای شهروندی کشور مادرشان اقدام نمایند. به دنبال این اصلاحیه، بیش از ۳۳۵۰ فرزند از زنان اماراتی در سال ۲۰۱۹ توسط اداره فدرال، تابعیت اماراتی را دریافت کردند (Al Nowais, 2019). اصلاحاتی که در سال ۲۰۲۲، در قانون فدرال تابعیت صورت گرفت این بود که به مادران مجرد اماراتی اجازه می‌دهد برای فرزندان خود که در امارات متولد شده‌اند، گواهی تولد صادر کنند (Alsabeeh and Kuzmova, 2022).

۳-۳. انتقال تابعیت در قوانین بحرین

بر اساس قانون تابعیت بحرین، فرزندى که از پدری بحرینی متولد می‌شود، صرف‌نظر از ملیت مادر و بدون توجه به محل تولد وی، تابعیت بحرینی را از طریق نسب به دست می‌آورد. فرزند یک مادر بحرینی و یک پدر خارجی حق شهروندی بحرینی را ندارد، به تعبیری دیگر تابعیت مادر بحرینی که با مرد خارجی ازدواج کرده است به فرزندان انتقال نمی‌یابد (آل کجفاف، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

قانون تابعیت بحرین که در سال ۱۹۶۳ به تصویب رسیده است، بحرینی تبار را شخصی می‌داند که: الف) بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در بحرین به دنیا آمده باشد و پدرش نیز در زمان تولد بحرینی باشد. ب) متولد خارج از بحرین پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون و پدر وی در بحرین متولد شده باشد. ج) متولد بحرین یا خارج از کشور پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون و مادر وی در زمان تولد تبعه بحرینی بوده مشروط بر اینکه پدر طفل نامشخص و یا بدون تابعیت باشد. وفق قاعده فوق‌الذکر، بحرین به فرزندان که از پدر بحرینی متولد می‌شوند تابعیت می‌دهد و فقط در دو مورد به فرزندان مادر بحرینی و پدر غیر بحرینی اجازه می‌دهد که تابعیت بحرین را دریافت کنند: وقتی هویت پدر نامشخص باشد و یا اینکه بدون تابعیت باشد. بنابراین، در قانون تابعیت بحرین، فرزندان که از والدین بدون تابعیت، پدران بدون تابعیت یا پدرانی که قادر به انتقال تابعیت خود نیستند، به دنیا می‌آیند، همیشه آن‌ها بدون تابعیت خواهند ماند (<https://www.refworld.org>).

۳-۴. انتقال تابعیت در قوانین عمان

قوانین و فرآیندهای مربوط به تحصیل یا انتقال تابعیت عمانی بر اساس مفاد فرمان سلطانی عمان به شماره ۲۰۱۴/۳۸ در مورد صدور قانون شهروندی عمان و آئین‌نامه اجرایی آن تحت تصمیم شماره ۲۰۱۹/۹۲ وزیر عمان در مورد صدور آیین‌نامه اجرایی قانون شهروندی عمان می‌باشد. بر اساس قانون تابعیت عمان، تابعیت این کشور مبتنی بر اصل خون بوده و تابعیت عمان فقط از طریق پدر عمانی به فرزند انتقال می‌یابد و از مادر عمانی انتقال تابعیت صورت نمی‌گیرد. (Al-Rasbi and Anwar, 2024:2414)

گرچه عمان با حق شرط به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان پیوسته است اما بند ۲ ماده ۹ این کنوانسیون، دولت‌های عضو را موظف نموده است تا در قوانین خود حق انتقال تابعیت از زنان به فرزندان همانند مردان به رسمیت شناخته شود. لذا قانون تابعیت عمان، که زنان را از حقوق برابر با مردان برای انتقال تابعیت به فرزندان و همسران خود محروم می‌کند، با تعهد عمومی برای از بین بردن همه اشکال تبعیض علیه زنان که بر اساس ماده ۲ ایجاد می‌شود، در تضاد است.

لازم به توضیح است که عمان یکی از کشورهایی است که به عضویت کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷، کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت افراد بدون تابعیت و همچنین کنوانسیون ۱۹۶۱ در مورد کاهش بی‌تابعیتی پیوسته است.

در قانون تابعیت عمان، در شرایط بسیار دشواری مادر می‌تواند تابعیت خود را به فرزند انتقال دهد این شرایط عبارت‌اند از:

- در صورتی که طفل در عمان یا خارج از کشور به دنیا آمده باشد و مادرش در زمان تولد تبعه عمانی و پدرش عمانی بوده و بی‌تابعیت شده باشد.
- در صورتی که در عمان یا خارج از کشور به دنیا آمده باشد و مادرش در زمان تولد تابعیت عمانی داشته باشد و تابعیت عمانی پدرش اثبات نشده باشد.
- در صورتی که طفل در عمان یا خارج از کشور به دنیا آمده باشد و مادرش هنگام تولد خارجی و پدرش عمانی بوده و بی‌تابعیت شده باشد مشروط بر اینکه ازدواج پدر و مادر قبلاً به تأیید وزارت داخله رسیده باشد.

علاوه بر موارد فوق، این امکان وجود دارد که فرزندی که از مادر عمانی و پدر خارجی متولد شده، در صورتی که دارای شرایط زیر باشد، می‌تواند تابعیت عمان را تحصیل نماید:

- هرگاه مادر طفل از شوهر خود طلاق گرفته باشد و از طلاق آن‌ها ده سال نیز گذشته باشد و یا اینکه شوهرش وی را ترک کرده باشد و از وی خبری در دست نباشد و این ترک می‌بایستی بر اساس حکم دادگاه باشد.
- حضانت فرزند به‌موجب حکم قانونی به مادر سپرده شده باشد (Al-Rasbi and Anwar, 2024:2416).

۳-۵. انتقال تابعیت در قوانین قطر

در قوانین بعضی از کشورهای اسلامی مانند قطر، علاوه بر آنکه انتقال تابعیت از مادر به فرزندان صورت نمی‌پذیرد، بلکه ازدواج اتباع خود را با تبعه خارجی موقوف به اخذ مجوز از دولت نموده است. به این صورت که پدر باید مدارک مجوز خود را به‌عنوان بخشی از فرایند ثبت تولد کودک ارائه کند.

در مورد تحصیل تابعیت قطر می‌توان گفت که مبنای قانون تابعیت این کشور مبتنی بر اصل خون بوده و یکی از محدودکننده‌ترین قوانین را در این زمینه دارد زیرا بدون استثنا به زنان قطری اجازه نمی‌دهد که تابعیت خود را به فرزندان منتقل کنند. (<https://www.ecdhr.org/>)

طبق قانون تابعیت شماره ۳۸ قطر در سال ۲۰۰۵، یک زن قطری تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند تابعیت خود را به فرزندان منتقل نماید، درحالی‌که مردان قطری به‌طور خودکار به فرزندان خود چه در خارج از کشور یا در قطر متولد شوند تابعیت قطر را انتقال خواهند نمود.

قانون تابعیت قطر برخلاف برخی دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس منع کاملی برای انتقال تابعیت از مادر قطری به فرزندان خود در نظر گرفته است درحالی‌که بر اساس قانون تابعیت کشورهای دیگر، زنان می‌توانند تحت شرایطی خاص، تابعیت خود را به فرزندان انتقال نمایند. (Abu-Ras. Et al, 2022:2)

تبعیض جنسیتی در انتقال تابعیت در قانون تابعیت قطر علاوه بر اینکه مغایر با موازین حقوق بشری و کنوانسیون‌های بین‌المللی است با قانون اساسی قطر نیز در تضاد است. در اصل ۳۵ این قانون آمده است: «همه افراد در برابر قانون یکسان هستند و هیچ‌گونه تبعیضی بر اساس جنسیت، نژاد، زبان یا مذهب وجود ندارد».

تنها امتیازی که در قانون تابعیت به فرزندان متولد از زنان قطری و مردان غیر قطری داده شده این است که این کودکان در اولویت پذیرش تابعیت قرار می‌گیرند. با این وجود، این امر چندان مشکلات را حل نخواهد کرد، زیرا تابعیت قطری را می‌توان تنها به پنجاه متقاضی در سال اعطا کرد و قطری‌های تحصیل‌کننده.

۳-۶. انتقال تابعیت در قوانین کویت:

گرچه قانون تابعیت ۱۹۵۹ کویت، مانند قوانین قطر، از نظر انتقال تابعیت زنان به فرزندان، متفاوت است، ولی مانند قانون تابعیت قطر کاملاً محدود کننده است. انتقال تابعیت کویتی طبق قاعده رایج در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مبتنی بر اصل خون بوده و قوانین کویت نیز به‌طور مستقیم تابعیت را از پدر کویتی به فرزندان منتقل می‌کند. (Beaugrand, 2015:19-36) بر اساس ماده ۲ قانون تابعیت کویت در مورد فرزندی که از مادر کویتی و پدری غیر کویتی متولد می‌شوند، تنها در صورتی امکان اخذ تابعیت برای

آن‌ها وجود دارد که پدر وی نامعلوم باشد، یا اینکه پدر غیر کویتی، زن خود را طلاق داده یا فوت کرده باشد این تصمیم در سال ۱۹۸۰ برای حل مشکلات زنان کویتی که با مردان خارجی ازدواج نمودند اتخاذ شد. واقعیت این است که حتی اگر پدر غیر کویتی فوت کند یا از مادر کویتی طلاق بگیرد، فرزندان آن‌ها تمام دوران کودکی خود را بدون تابعیت خواهند بود، زیرا قانون فقط به آن‌ها اجازه می‌دهد که تابعیت خود را در سن بلوغ و نه به‌طور خودکار با حکم مراجع ذیصلاح دریافت کنند. (<https://equalitynow.org>)

به‌عنوان یک قاعده کلی، فرزندان متولد از پدر کویتی خود، بدون هیچ‌گونه محدودیتی تابعیت کویت را دریافت می‌کنند. اما فرزندانانی که از مادران کویتی و پدران غیر کویتی متولد می‌شوند، تابعیت کویت به آن‌ها منتقل نگردیده مگر اینکه مادر وی مطلقه یا بیوه باشد. این موضوع باعث شده است که تعدادی از زوج‌ها تصمیم به طلاق برای بهترین منافع فرزندان خود بگیرند. با این حال بسیاری دریافته‌اند که حتی زمانی که آن‌ها طلاق می‌گیرند، قانون اعمال نمی‌شود. حتی اگر این والدین طلاق بگیرند، کودک تا زمانی که به سن بلوغ نرسد نمی‌تواند درخواست تحصیل تابعیت کویت را بدهد و اگر کودکی در کویت متولد نشده باشد یا تا سن بلوغ در کویت اقامت نداشته باشد، معمولاً واجد شرایط اخذ تابعیت نخواهد بود. هنگامی که یک کودک بدون تابعیت به سن بلوغ می‌رسد، لازم است برای اقامت در کویت ابتدا مجوز اقامت در این کشور را تحصیل نماید تا بتواند در کویت اقامت نماید. (<https://www.streetchildren.org>)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر شاهد افزایش ارتباطات بین‌المللی و مهاجرت به کشورهای دیگر می‌باشیم و همین امر موجب گردیده تا بین اتباع کشورهای مختلف ازدواج‌های فراملی صورت پذیرد، در نتیجه احتمال تولد فرزندان متولد از والدین دارای تابعیت‌های مختلف نیز بیشتر خواهد بود، لذا در کشورهایی مانند ایران، عربستان سعودی، قطر، کویت، عمان، امارات متحده عربی و بحرین که تابعیت فقط از طریق نسب پدری و اصل خون به فرزندان انتقال می‌یابد و تابعیت مادر هیچ‌گونه تأثیری در تابعیت فرزند ندارد در صورت بازگشت تبعه خارجی (پدر) به کشور خود و یا ترک خانواده، فرزندان متولد از این والدین، بی‌سرپرست و یا بی‌تابعیت و فاقد شناسنامه می‌گردند لذا این کودکان با مشکلات عدیده‌ای از قبیل عدم برخورداری از برخی از حقوق اجتماعی مواجه خواهند شد و آن‌ها به‌طور بالقوه در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و ممکن است در آینده جامعه را با مشکلات ناشی از ناهنجاری‌ها و جرائم خود روبرو نمایند. علاوه بر آن، عدم اصلاح قانون تابعیت توسط این کشورها و وجود تبعیض و نابرابری قوانین تابعیت، که زنان را از حق انتقال تابعیت خود به فرزندان محروم می‌کند صراحتاً با تعهدات این کشورها در قبال کنوانسیون‌های بین‌المللی بخصوص کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در تضاد است.

در بررسی‌های به‌عمل آمده در این مقاله، مشخص گردید که کشورهایمانند قطر و کویت هرچند به فرزندان متولد از مادر قطری و مادر کویتی تابعیت نمی‌دهند، اما بدون قید و شرط اقامت دائم را برایشان فراهم می‌کنند. درحالی‌که در ایران با نهایی‌شدن قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت تعداد زیادی از فرزندان مادر ایرانی در آستانه اخراج از ایران قرار خواهند گرفت.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌گردد که کشورهای مورد مطالعه جهت جلوگیری از محرومیت کودکان از داشتن تابعیت، قانون تابعیت خود را اصلاح نموده و بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی، در انتقال تابعیت از پدر و مادر به کودکان اقدام نمایند.

ضروری است که کشورهای اسلامی مورد مطالعه که تاکنون به عضویت کنوانسیون‌های بین‌المللی درنیامده‌اند، جهت حمایت از حقوق کودکان و جلوگیری از بی‌تابعیتی آن‌ها به کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت افراد بدون تابعیت، کنوانسیون ۱۹۶۱ در مورد کاهش بی‌تابعیتی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به پیوندند. پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار ایران جهت حل مشکل تابعیت فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، قوانین مربوط به تابعیت را اصلاح نموده و انتقال تابعیت از مادر ایرانی به فرزند را در قانون مدنی پیش‌بینی نماید.

منابع

- آل کجیاف، حسین (۱۳۹۳). تابعیت در ایران و سایر کشورها، تهران: انتشارات جنگل.
- آل کجیاف، حسین (۱۴۰۱). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، چ ۲۰، تهران: انتشارات جنگل.
- بلدسو رابرت، و بوسچک (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل. ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج دانش.
- خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دانش پژوه مصطفی (۱۳۸۱). اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- صفائی سید حسین و اسدالله امامی (۱۴۰۲). مختصر حقوق خانواده، ج ۶۰، تهران: انتشارات میزان.
- طاهری نیا، علی باقر و محمد ستایش پور، (۱۴۰۲)، "تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر: مطالعه تطبیقی مقررات حقوقی کشورهای عربی اسلامی"، فصلنامه مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۱ شماره ۳، ۱-۱۶.
- عزیزی، ستار و بیژن حاجی عزیزی، (۱۳۹۹). تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل، انتشارات: دانشگاه بوعلی سینا.
- کاتوزیان ناصر، (۱۴۰۲). دوره حقوق مدنی: حقوق خانواده، ج ۱، چ ۷، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نصیری، محمد، (۱۴۰۳). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۵۱، تهران: انتشارات آگاه.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی.
- مسلم احمد، (۱۹۹۵)، القانون الدولي الخاص، قاهره: مكتبة النهضة المصرية.
- Al Nowais Shireena, "“This will change our lives”: Emirati mothers rejoice as children granted citizenship”, 29 May 2019, The National, <https://www.thenationalnews.com/uae/this-will-change-our-lives-emirati-mothers-rejoice-as-children-granted-citizenship-1.867176> (accessed 13 June 2022).
- Abu-Ras, Wahiba. & et al. (2022). Gendered Citizenship, Inequality, and Well-Being: The Experience of Cross-National Families in Qatar during the Gulf Cooperation Council Crisis (2017–2021), *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19, 6638.
- Al-Rasbi Talal and Ahmed Eltohami Anwar, (2024). Women’s Right to Transmit Nationality to their Children: Appraisal of the GCC States’ Obligations under CEDAW, *International Journal of Religion*, Vol: 5, pp. 2414 – 2421.
- Alsabeehg Zeineb and Yoana Kuzmova (2022). Report on Citizenship Law: United Arab Emirates.
- Baubock, Rainer & others (2006). Acquisition and Loss of Nationality: Country Analyses: Policies and Trends in 15 European Countries, Volume 2. Published by: Amsterdam University Press.
- Beaugrand Claire, Torn (2015). Citizenship in Kuwait: Commodification versus Rights-Based Approaches, in Challenges to Citizenship in the Middle East and North Africa, Middle East Centre.
- Betsy L. Fisher, (2016), “Gender Discrimination and Statelessness in the Gulf Cooperation Council States”, *Michigan Journal of Gender & Law*, 23 (2).

- Brownlie, Ian, (1998). Principles of Public International Law, 5th ed. Oxford University Press.
- Chandra Praksh, (1996). International law. Delhi: Vikas Pub.
- Crawford, James, (2019). Brownlie,s Principles of Public International Law, 9th ed. Oxford University Press.
- Frauke Heard-Bey, (2004). From Trucial States to United Arab Emirates. Dubai: Motivate Publishing.
- George Rachel, (2019), The Impact of International Human Rights Law Ratification on Local Discourses on Rights: the Case of CEDAW in Al-Anba Reporting in Kuwait, Human Rights Review (2020) 21:43–64.
- Gray W. Kevin,, (2015). Gradations of Citizenship in the United Arab Emirates, in Challenges to Citizenship in the Middle East and North Africa Middle East Centre.
- Padfield C. (1992) Law Made Simple, 8th ed. Oxford: Oxford university press.
- Parolin Gianluca, (2008) Citizenship in the Arab World: Kin, Religion and Nation-State, Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Salama Samir, (2012) “Number of children with unknown parentage increases in UAE”, Gulf News.
- Issa, Wafa. (2011) ‘Children of Emirati Mothers, Expatriate Fathers Offered Citizenship’, National, Available at <http://www.thenational.ae/news/uae-news/children-of-emirati-mothers-expatriate-fathers-offered-citizenship> (accessed 16 oct. 2024).
- <https://equalitynow.org>>Kuwaiti.
- <https://gulfmigration.grc.net/oman-omani-citizenship-law-repealed/>
- <https://gulfnews.com/going-out/society/number-of-children-with-unknown-parentage-increases-in-uae>.
- <https://nezamat.ir>>post-44029.
- <https://www.ecdhr.org/gender-discrimination-in-qatars-nationality-laws/>.
- <https://www.hrw.org/news/2023/15/02/qatar-submission-un-committee-rights-child>.
- <https://www.refworld.org>.
- <https://www.refworld.org/legal/legislation/natlegbod/2014/en/116187>.
- <https://www.streetchildren.org/legal-atlas/map/kuwait/legal-identity/can-a-child-apply-for-citizenship/>.
- <https://dotic.ir/news/13014>.

